

بررسی آراء مفسران در تبیین شیوه تربیتی قرآن کریم در وحدت ادیان توحیدی با تأکید بر آیه ۱۹ آل عمران^۱

* غلامحسین اعرابی
** علی احمد ناصح
*** رضا نجفی

چکیده

آیه ۱۹ آل عمران، حقیقت دین را تعبد و تسلیم دانسته، اختلافها را از خودخواهی و ستمگری ناشی می‌داند. بنابراین اگر چه شرایع در فروع دارای تفاوت‌هایی هستند، اما دین چیزی جز تسلیم در برابر حق نیست. نگارش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، با استناد به آراء مفسران به بررسی آیه ۱۹ آل عمران پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که سه محور توحید، معاد و عدل می‌تواند پیروان ادیان آسمانی را در کنار هم قرار داده، راه تفرقه و تشتت اجتماعی را مسدود نماید. از این رو قرآن کریم در شیوه تربیتی خود از باورهای اعتقادی استفاده کرده است. در نتیجه دین در سه قسم اساسی دسته‌بندی شده است که عبارتند از: دین حق، دین باطل و دین ثابت. با مبنا قرار گرفتن دین ثابت، وحدت اجتماعی می‌تواند نتیجه وحدت اعتقادی در میان پیروان ادیان توحیدی باشد.

واژگان کلیدی

آیه ۱۹ آل عمران، ادیان توحیدی، مخورهای توحید.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجوی محترم است.
*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.
**. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.
***. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس دانشگاه قم (نویسنده مسئول).
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۰
- golamhosein.arabi@gmail
aliamhmadnaseh@yahoo
najafi9487@gmail.com

طرح مسئله

هم‌گرایی ادیان توحیدی از مهم‌ترین موضوعات طرح شده در قرآن کریم است که تحقق آن به وحدت اجتماعی دین‌داران و موحدان می‌انجامد. این مهم گامی فراتر از اتحاد میان فرق و مذاهب اسلامی است؛ چراکه همبستگی و توافق میان پیروان ادیان بزرگ آسمانی را هدف‌گذاری نموده است. اهمیت این موضوع بر کسی پوشیده نیست. تشتت و تفرقه میان طوایف یهود از یک‌سو و دشمنی میان پیروان ادیان از سوی دیگر بر اهمیت موضوع افزوده است. پراکندگی و خصومت میان پیروان ادیان در عصر نزول به قدری بوده است که بخش قابل توجهی از آیات کلام‌الله مجید به این موضوع اختصاص یافته است. موضوعی اساسی که تا کنون نیز جامعه جهانی بشر را به خود مشغول نموده است. به گواهی آیات میان یهودیان و مسیحیان رقابت‌های تفرقه‌آمیز رواج داشته است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَيَّ شَيْءٌ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَيَّ شَيْءٌ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ». (بقره / ۱۱۳) دامنه اختلاف اهل کتاب به اختلاف در کتاب‌های دینی نیز کشیده شده بود. قرآن کریم آنان را به دلیل اختلافشان انذار نموده است: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (بقره / ۱۷۶) واژه شقاق به معنا شکاف و جدایی است. این تعبیر شاید اشاره به این باشد که ایمان و تقوا و افشاء حق، موجب ایجاد وحدت و اتحاد است، درحالی‌که خیانت و کتمان حقائق، پراکندگی را در پی دارد به گونه‌ای که شکاف عمیقی را در میان اهل کتاب ایجاد نموده است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۲۶)

رویکرد قرآن کریم در مواجهه با سایر ادیان برپایه ایجاد جذابیت و برقراری وحدت بنا شده است. به‌علاوه تلاش دین‌مبین اسلام بر اساس آموزه‌های قرآن کریم در جهت تغییر رفتار اهل کتاب و جلوگیری از تفرقه‌افکنی آنان است. بنابراین لازم است عبارت‌ها و آیه‌هایی که در این خصوص نازل شده است بررسی و تحلیل گردد. برخی از این آیات با صراحت به موضوع وحدت و هم‌گرایی میان پیروان ادیان توحیدی پرداخته، به گونه‌ای که مسیر تمامی تردیدها را مسدود کرده است. قرآن کریم به وضوح به دوری از تفرقه دستور داده و پیامبر ﷺ را مکلف می‌کند تا با اهل کتاب ارتباط اعتقادی و اجتماعی برقرار نماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل‌عمران / ۶۴) توحید به‌عنوان کلامی حق، محور ادیان توحیدی قرار گرفته و از اعوجاج و کجی

آنها جلوگیری می‌کند. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۴ / ۱۰۸؛ طوسی، بی‌تا: ۲ / ۴۸۸) به عبارت دیگر قرآن کریم تنها وحدانیت خدا را شایسته محوریت اتحاد و همبستگی ملل و ادیان معرفی کرده است؛ چراکه تورات و انجیل و قرآن بدان دعوت کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۳۹۰) این موضوع به حقیقت توحیدی ادیان اشاره نموده، وحدت در پرستش و عبودیت را متذکر شده است. همه ادیان به دنبال القای یک اندیشه واحد بوده‌اند و تفرقه و منازعه میان آنها موضوعیت ندارد (مراغی، بی‌تا: ۳ / ۱۷۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳ / ۲۱۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأموریت یافته تا پیروان همه ادیان را به درک درستی از کلمه توحید برساند و از آنان بخواهد تا از بیراهه پرهیز نموده و خود را در مسیر تعالی حقیقت دین قرار دهند. بنابراین قرآن کریم، رسول خدا صلی الله علیه و آله را در انحصار اجتماعی و اعتقادی قرار نداده و آن حضرت را به عنوان منادی توحید و حقانیت در برابر همه مردم معرفی کرده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبأ / ۲۸) صاحب تفسیر مجمع البیان با نقل آراء مفسران پیش از خود تلاش نموده است تا برپایه این آیه پیامبر را نقطه اتصال و اتحاد همه مردم معرفی نماید (طبرسی، ۱۴۰۶: ۲۰ / ۲۶۶)؛ مسئله اصلی شناخت برخورد قرآن کریم با ادیان پیشین است. آیا قرآن کریم به دنبال ایجاد وحدت است یا ادیان پیش از خود را مردود دانسته است؟ دستیابی به پاسخ این مسئله به بررسی آثار اندیشمندان مسلمان و کشف مراد خدای متعال در کلام الله مجید نیازمند است. از این رو تحقیق حاضر برآن است تا با مطالعه آراء مفسران، دیدگاه قرآن کریم در خصوص آیه ۱۹ سوره آل عمران را گزارش نموده و تحلیل نماید.

واژه «دین» در مفهوم توحیدی

واژه «دین» در زبان عربی مصدر برای فعل «دانَ یَدینُ» است که به طور کلی به معانی «به دینی در آمدن، خدمت کردن، خوار شدن» استفاده می‌شود. عموماً «دین» اسم است برای تمام آنچه که بدان پرستش خدا شود و به معانی آیین، کیش، ملت، مذهب، سیرت، طریقه، روش، عادت، حال، کار، پرهیزکاری، خداشناسی، حساب، محاسبه، مُلک، حکمرانی، فرمانروایی، سلطنت، زمامداری، فرماندهی، حکومت، کشورداری، قضا، دادرسی، تدبیر، پایان کاری را نگرستن، کارسازی و روز حساب به کار رفته است. جمع آن آدیان است. (خلیل جر، ۱۳۹۱: ذیل واژه) کاربرد این واژه در آیات همواره به صورت مفرد است. این واژه در قرآن کریم به دو معنا استفاده شده است:

۱. واژه «دین» در قرآن کریم با معانی متعددی همچون: جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و خداپرستی به کار رفته است. (طریحی نجفی، ۱۳۷۵: ۱ / ۷۷؛

راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۷۵) در معنای نخست، در اصل «دین» به مفهوم جزا، حساب و قانون به کار رفته است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳ / ۴۶) این واژه در آیه ۴ سوره فاتحه الكتاب با همین معنا استفاده شده است: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» چراکه آیه شریفه، خداوند را صاحب و فرمانروای روز جزا معرفی نموده است. (طوسی، بی تا: ۱ / ۳۵) همچنین قرآن کریم از قول کفار از روز جزا یاد می کند: «وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ» (صافات / ۲۰) در این آیه نیز «دین» به معنای جزاء است و یکی از اسماء روز قیامت است که هر که را جزاء می دهند؛ «النَّاسُ مجزؤون باعمالهم ان خيرا فخير و ان شرا فشر» به همین معناست. (طیب، ۱۴۶۹: ۱۵ / ۱۳۲)

۲. اگرچه ریشه و پایه این واژه به معنای جزا به کار رفته است، اما در این آیه به مفهوم اعتقادات است (طوسی، بی تا: ۲ / ۴۱۸) صاحب **تفسیر نمونه** با جمع بندی نظرات مفسرتن در این خصوص می نویسد:

واژه «دین» ... در اصطلاح مذهبی عبارت از مجموعه قواعد و قوانین و آدابی است که انسان در سایه آنها می تواند به خدا نزدیک شود و به سعادت دو جهان برسد و از نظر اخلاقی و تربیتی در مسیر صحیح گام بردارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲ / ۴۷۰)

قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره آل عمران دین را به عنوان اسلام معرفی نموده است:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا
بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ (آل عمران / ۱۹)

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است.

علامه طباطبایی با توضیحی کامل به شرح واژه دین پرداخته است:

... پس دین همین اطاعتی است که خدا از بندگان خود می خواهد، و آن را برای آنان بیان می کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۱۸۸)

وی پیش از این نیز معنای واژه دین را در تفسیر آیه ۲۵۶ سوره بقره ارائه نموده است:

دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد، و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات» ... (همان: ۲ / ۵۲۳)

علامه طبرسی در **مجمع البیان** با استناد به متن آیه کریمه به تبیین و تفسیر مصداق واژه دین توحیدی پرداخته است که به روشنی موضوع مورد بحث کمک می‌نماید. ایشان در ادامه تفسیر آیه می‌نویسد: «إِنَّ الدِّينَ؛ همانا دین صحیح و اطاعت «عِنْدَ اللَّهِ» نزد خدا «الْإِسْلَامُ» همان اسلام است.» (طبرسی، ۱۴۰۶: ۳ / ۲۶۹)

در این بیان مختصر تسلیم بودن در برابر وحدانیت و عدالت الهی به‌عنوان مصداق دین معرفی شده است.

۳. در برخی از موارد «دین» معنایی جزئی‌تر به خود گرفته است. مجموعه قواعد مربوط به عقاید، اخلاق، احکام و حقوق بشر - الهی باشد یا ساخته و پرداخته انسان‌ها - دین خوانده می‌شود. فرعون معتقدات و مقررات جامعه بت‌پرست مصر را «دین» آنها می‌نامد: «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظَهِّرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ» (غافر / ۲۶) همچنین مجموعه مقررات ساخته پادشاه مصر با واژه دین معرفی شده است: «مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ...» (یوسف / ۷۶) پیامبر اکرم ﷺ نیز مأموریت یافته تا مسیر اعتقادی خود را با مقررات مشرکان جدا کند: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ». (کافرون / ۶) قرآن کریم نیز در پاره‌ای از موارد این واژه را به معنای مقررات به‌کار برده است: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَكَأَنْ تَأْخُذُكُمْ بِيَمَا رَأَفَهُ فِي دِينِ اللَّهِ...» (نور / ۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۴۳۰) نویسنده تفسیر **تسنیم** با بررسی این واژه در فاتحه‌الکتاب می‌نویسد:

دین خضوع و انقیاد در برابر برنامه و مقرراتی معین است و دیگر مفاهیم ذکر شده برای آن، مانند جزاء، از لوازم این معناست. (همان: ۱ / ۳۸۳)

مفهوم «اسلام» در مصداق آیه نوزدهم آل عمران

۱. مفسران شیعه و اهل سنت از یک نگاه، معنای واژه «اسلام» را با مصداق اخص آیین پیامبر خاتم ﷺ تطبیق داده‌اند. صاحب تفسیر **اطیب البیان** احتمال می‌دهد که این واژه در معنای شریعت مقدسه محمدیه ﷺ باشد چنانچه در آیه شریفه می‌فرماید: «وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده / ۳؛ طیب، ۱۳۶۹: ۳ / ۱۴۳) نویسنده تفسیر **احسن الحدیث** واژه اسلام را نامی برای آیین محمدی ﷺ دانسته است؛ اگرچه سایر مفاهیم را نیز محتمل می‌داند. (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۲ / ۳۹) اسلام در اصطلاح بر شریعت پیامبر خاتم ﷺ اطلاق شده است. (مقاتل بن سلیمان، ۲۰۱۱: ۱ / ۲۴۸) به عبارت دیگر مناسبت میان معنای اصطلاحی و معنای لغوی اسلام این است که دین اسلام سراسر طاعت و تسلیم در برابر خداوند و پذیرش و انقیاد اوامر اوست.

۲. مفسران «اسلام» در این آیه را به طور اجماعی به مفهوم عام لغت به معنای در بر دارنده تمامی ادیان توحیدی در نظر گرفته‌اند. در این معنا، تسلیم در برابر وحدانیت و عدالت ربانی اراده شده است. همه انبیا و رسولان با هدف تبلیغ اسلام برانگیخته شده‌اند. (طوسی، بی تا: ۲ / ۴۱۸) صاحب تفسیر **مجمع البیان** می‌نویسد: «بعضی گفته‌اند مراد از اسلام، تسلیم بودن در برابر خدا و اولیاء خدا است که خدا و پیغمبرانش را قبول داشته باشد ...». (طبرسی، همان)

سیوطی در **تفسیر جلالین** اسلام را به‌عنوان دینی که به‌واسطه رسولان الهی مبتنی بر اصل توحید است، معرفی نموده است: «الْإِسْلَامُ؛ أَي الشَّرْعِ الْمَبْعُوثِ بِه الرِّسْلِ الْمَبْنِيِّ عَلِي التَّوْحِيدِ» (سیوطی، ۱۴۲۷: ۱ / ۵۵) وی با استفاده از واژه «رُسُل»، این بخش از آیه را از مصداق دین پیامبر خاتم ﷺ خارج نموده است؛ در غیر این صورت از واژه «رسول» استفاده می‌نمود. مفسر دیگری که همین‌گونه به تفسیر آیه اشاره نموده است، صاحب **اطیب البیان فی تفسیر القرآن** است. وی می‌نویسد:

... ممکن است مراد از اسلام به معنای جامعی که تمام انبیاء بر آن مبعوث شدند از اصول عقائد و اخلاق و فروع مثل نماز و زکات و روزه و نحو اینها که قابل نسخ نیست و ممکن است مراد تسلیم نسبت به اوامر الهی باشد ... (طیب، ۱۳۶۹: ۳ / ۱۴۳)

بسیاری از مفسران همین رأی را اختیار نموده‌اند. محمد علی طه دره نیز می‌نویسد:

و الْإِسْلَامُ وَ هُوَ الشَّرِيعَةُ الْمَرْضِيَّةُ عِنْدَ اللَّهِ وَ الْمَبْعُوثُ بِه الرِّسْلِ مِنْ لَدُنِ آدَمَ إِلَى عَهْدِ نَبِيْنَا، عَلَيْهِمْ جَمِيعًا أَلْفُ صَلَاةٍ وَ أَلْفُ سَلَامٍ، وَ هُوَ الْمَبْنِيُّ عَلِي التَّوْحِيدِ، وَ هُوَ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي لَا اعْوَجَاجَ فِيهِ وَ لَا انْحِرَافَ. ... (دره، ۱۴۳۰: ۲ / ۴۱)

مفسر **جامع البیان** در شرح واژه اسلام چنین نوشته است:

إِنَّ الطَّاعَةَ الَّتِي هِيَ الطَّاعَةُ عِنْدَهُ الطَّاعَةَ لَهُ وَ إِقْرَارِ الْأَلْسِنِ وَ الْقُلُوبِ لَهُ بِالْعِبَادَةِ وَ الذَّلَّةِ وَ انْقِيَادِهَا لَهُ بِالطَّاعَةِ فِيمَا أَمَرَ وَ نَهَى وَ تَذَلُّهَا لَهُ بِذَلِكَ مِنْ غَيْرِ اسْتِكْبَارٍ عَلَيْهِ وَ لَا انْحِرَافٍ عَنْهُ دُونَ إِشْرَاقٍ غَيْرِهِ مِنْ خَلْقِهِ مَعَهُ فِي الْعِبَادَةِ وَ الْأَوْهِيَةِ وَ بِنَحْوِ مَا قُلْنَا فِي ذَلِكَ قَالَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ التَّأْوِيلِ. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۴۱)

نویسنده تفسیر **احسن الحدیث** نیز به وضوح به مفهوم اسلام در آیه نوزدهم پرداخته است:

مراد از اسلام در اینجا انقیاد و مطیع شدن به خداست، فرق اصطلاحی اسلام و ایمان و یا تسلیم شدن ظاهری در اینجا مطرح نیست، این نام گرچه مخصوص

بررسی آراء مفسران در تبیین شیوه تربیتی قرآن کریم در وحدت ادیان توحیدی ... □ ۲۲۷

شریعت حضرت رسول ﷺ است ولی دین همه پیامبران اسلام بوده و جز انقیاد به خدا چیزی از مردم نخواسته‌اند ... (قرشی بنابی، ۱۳۷: ۲ / ۳۹)

همچنین سایر مفسران شیعه با بررسی دیگر آیات کریمه کلام‌الله مجید به بحث پیرامون واژه اسلام پرداخته و دیدگاه اجماعی را تأیید نموده‌اند. (رازی، ۱۴۰۸: ۴ / ۲۳۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۲ / ۲۷)

شرح واژه «اسلام» در کلام ائمه علیهم‌السلام نیز منعکس شده است. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در تعریف لغت «اسلام» فرموده است:

لَأَسْبَنَ الْإِسْلَامَ نَسْبَهُ لَمْ يَنْسِبْهَا أَحَدٌ قَبْلِي الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْإِدَاءُ وَ الْإِدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ. (نهج البلاغه / ۱۲۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۲ / ۲۷)

اسلام را چنان وصف کنم که کس پیش از من نکرده است. اسلام گردن نهادن است و گردن نهادن یقین داشتن و یقین داشتن راست انگاشتن و راست انگاشتن بر خود لازم ساختن و بر خود لازم ساختن انجام دادن و انجام دادن به کار نیک پرداختن.

وحدت ادیان از دیدگاه قرآن

با نگاهی به مفهوم اسلام در آیه ۱۹ آل عمران در می‌یابیم که ریشه اعتقادی تمام ادیان توحیدی یکسان است و در محتوای آنها تناقض یا تضادی وجود ندارد؛ به عبارت روشن‌تر آنچه که قرآن کریم از آن به‌عنوان دین یاد کرده است، جز تسلیم در برابر وحدانیت و عدالت الهی چیز دیگری نیست. همین امر به وحدت ادیان توحیدی کمک کرده است. آنچه که به‌عنوان اختلاف در ادیان توحیدی مشاهده می‌شود، محصول عملکرد تحریفی معاندان و مخالفان است (بنی‌حسین، ۱۳۷۲: ۱۸۶) علامه طباطبایی در تفسیر آیه نوزدهم به خوبی به این موضوع پرداخته است:

دین نزد خدای سبحان یکی است و اختلافی در آن نیست و بندگان خود را امر نکرده مگر به پیروی از همان دین و بر انبیای خود هیچ کتابی نازل ننموده مگر در باره همان دین و هیچ آیت و معجزه‌ای به پا نکرده مگر برای همان دین که آن دین عبارت است از اسلام؛ یعنی تسلیم حق شدن و به عقیده‌های حق معتقد گشتن و اعمال حق انجام دادن؛ به عبارتی دیگر: آن دین واحد عبارت است از تسلیم شدن در برابر بیانی که از مقام ربوبی در مورد عقائد و اعمال و یا در مورد معارف و احکام صادر می‌شود. این بیان هرچند به‌طوری که در قرآن حکایت شده در شرایع رسولان

و انبیای او از نظر مقدار و کیفیت مختلف است، اما در عین حال از نظر حقیقت چیزی به جز همان امر واحد نیست، اختلافی که در شریعت‌ها هست از نظر کمال و نقص است، نه اینکه اختلاف ذاتی و تضاد و تنافی اساسی بین آنها باشد، و معنای جامعی که در همه آنها هست عبارت است از تسلیم شدن به خدا در انجام شرایعش، و اطاعت او در آنچه که در هر عصری با زبان پیامبرش از بندگان می‌خواهد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۱۸۹)

با نزول قرآن کریم وحدت ادیان توحیدی وارد مرحله جدیدی شده است. اسلام بارها وظیفه تبیین و تبلیغ وحدانیت معبود را به همه انبیای الهی نسبت داده است. از دیدگاه قرآن مأموریت و هدف رسالت همه رسولان الهی ایجاد وحدت در پرستش و عبودیت پروردگار است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ». (انبیاء / ۲۵)

بیان صریح و روشن آیه نشانگر موضع قرآن کریم در برقراری اتحاد اعتقادی و رفع اختلاف میان پیروان ادیان توحیدی است. آنچه که از ترکیب واژگان آیه کریمه مشخص است که هدف وحدت توحیدی به صورت مستمر برای همه انبیاء و رسولان الهی در جریان بوده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۳۸۶) از این جهت قرآن کریم، همه ادیان ادیان را در وجهی مشترک قرار داده است؛ چراکه همه انبیاء مأموریت داشته‌اند تا مردم را به تسلیم در برابر حقانیت پروردگار دعوت نمایند. بنابراین اسلام عنوان وحدت تمامی ادیان توحیدی است و منحصر به یک آیین نمی‌باشد. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲ / ۲۷)

قرآن کریم با تأیید ادیان آسمانی پیش از اسلام به اهل کتاب یادآوری می‌کند که رسول خدا ﷺ برای تکمیل جریان بشارت و نذارت، مبعوث شده است و نه تنها ادیان پیش از خود را تخطئه ننموده، که آنها را تکمیل و تأیید نیز کرده است. پیش از این دو کتاب مقدس تورات و انجیل بر بعثت نبی مکرم و نزول قرآن کریم بشارت داده بودند؛ اگرچه اهل کتاب آن را انکار یا کتمان می‌کردند:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ
قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ. (مائده / ۱۵)

صاحب تفسیر *احسن الحدیث* با استناد به آیه دیگری می‌نویسد: «آنچه مخفی می‌کردند عبارت بود از بشارت عهدین درباره رسول خدا چنان که فرموده: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» (اعراف / ۱۵۷) و نیز بعضی از احکام که به‌نفعشان نبود، مثل: سنگسار کردن زناکاران که در آیه ۴۱ خواهد آمد، خلاصه آنکه آنان با آیات تورات هر طور که می‌خواستند بازی می‌کردند...» (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۱) خدای متعال همچنین با صراحت بیشتری به تأکید قرآن بر همبستگی

ادیان و تأیید کتاب‌های آسمانی قبل پرداخته است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ...». (مائده / ۴۸)

تنوع شریعت

بنابر آنچه ارائه شد، ادیان مفهوم و مصداقی واحد دارند؛ چراکه ریشه و اساس آن یکی است. برخی تغییرات که در ادیان مختلف نسبت به یکدیگر مشاهده می‌شود، ناشی از تنوع شریعت در دوره‌های مختلف است. در غیر این صورت چنانچه خدای متعال اراده می‌فرمود همگان را به پیروزی از یک منهج سفارش می‌نمود: «وَكُلُّ شَاءَ اللَّهِ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَقُوا الْخَيْرَاتِ...» (مائده / ۴۸) امین الاسلام طبرسی در شرح آیه می‌نویسد:

اگر خداوند خواسته بود، آیین و شریعت همه انبیا را یکی می‌کرد و شما را تابع یک شریعت قرار می‌داد؛ شریعتی که هرگز نسخ نشود. این معنا از ابن عباس است. حسن و قتاده گویند: مقصود این است که اگر خواسته بود شما را بر آیین حق، جمع می‌کرد. ... اما شما را تابع شریعت‌های مختلف قرار داد تا شما را در آنچه واجب ساخته و شریعت قرار داده، بیازماید. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۷ / ۶۳)

خدای متعال در پیش از این اشاره فرموده است که برای امت‌های مختلف، شرایع مختلف قرار داده است: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (مائده / ۴۸) شریعت عبارت است از طریقه‌ای خاص، یعنی طریقه‌ای که برای امتی از امت‌ها و یا پیامبری از پیامبران مبعوث به شریعت تعیین و آماده شده باشد، مانند شریعت نوح، شریعت ابراهیم، شریعت موسی، شریعت عیسی و شریعت محمد ﷺ اما دین عبارت است از سنت و طریقه الهیه حال خاص به هر پیامبری و یا هر قومی که می‌خواهد باشد، پس کلمه دین معنایی عمومی‌تر از کلمه شریعت دارد، به همین جهت است که شریعت نسخ می‌پذیرد، ولی دین به معنای عمومی‌اش قابل نسخ نیست (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵ / ۵۷۴) صاحب تفسیر **المیزان** با همین استدلال به بررسی تفاوت‌های میان دین و شریعت می‌پردازد. ایشان در ادامه می‌نویسد:

البته در این میان فرق دیگری نیز بین شریعت و دین هست و آن این است که کلمه دین را می‌توان هم به یک نفر نسبت داد و هم به جماعت، حال هر فردی و هر جماعتی که می‌خواهد باشد ولی کلمه «شریعت» را نمی‌شود به یک نفر نسبت داد و مثلاً گفت فلانی فلان شریعت را دارد، مگر آنکه یک نفر آورنده آن شریعت و

یا قائم به امر آن باشد ... بنابراین اگر شریعت‌های خاصه را به دین نسبت می‌دهیم و می‌گوییم همه این شریعت‌ها دین خدا است، با اینکه دین یکی است ولی شریعت‌ها یکدیگر را نسخ می‌کنند، نظیر نسبت دادن احکام جزئی در اسلام، به اصل دین است، با اینکه این احکام بعضی ناسخ و بعضی منسوخ‌اند با این حال می‌گوییم فلان حکم از احکام دین اسلام بوده و نسخ شده و یا فلان حکم از احکام دین اسلام است، بنابراین باید گفت: خدای سبحان بندگان خود را جز به یک دین متعبد نکرده و آن یک دین عبارت است از تسلیم او شدن ... (همان: ۵۷۵)

۱. منشأ اختلاف ادیان

منشأ اختلاف در دین، گاهی این است که دین را از کجا باید گرفت. همین موضوع نخست اختلاف میان توحید و الحاد را رقم زده است. در این مرحله پاسخ موحد آن است که دین را باید از خدا گرفت و پاسخ ملحد آن است که اندیشه بشری دین را می‌سازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۴۳۵) آنچه که به‌عنوان اختلاف مطرح است از دو جنبه قابل بررسی و نقد می‌باشد:

یک) اختلاف ادیان توحیدی با نحله‌های الحادی

قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره آل عمران با تأکید بر ریشه وحدانی اسلام، ادیان توحیدی را از نحله‌های الحادی مجزا نموده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹) بنابراین تفاوت میان موحد و ملحد در ریشه پرستش است؛ موحد خداوند یکتا را می‌پرستد و ملحد منکر خداوند و ادیان توحیدی است.

دو) اختلاف مسلمان و اهل کتاب

یهودیان متعصب که تنها فرزندان یعقوب را اهل نجات می‌دانند و همچنین نصرانیت گرفتار در تثلیث که عیسی را فرزند خدا می‌خواند و به حلول معتقد است، هر دو با دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در اختلاف هستند. دانشمندان یهود و نصارا حقیقت دین کامل را می‌دانند و بر حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله وقوف دارند، اما از ابتدا دچار انکار و کفر شدند. قرآن کریم آنان را علمای بغی نامیده، از کفرشان سخن گفته و به آنان وعده عذاب داده است: «وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ يَأْتِ اللَّهُ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران / ۱۹) در مقابل پیروان ابراهیم خلیل علیه السلام نه از یهودیانند و نه از مسیحیان؛ بلکه قرآن کریم آنان را مسلمان خنیف و یکتاپرست نامیده است. یهودیت و مسیحیت هرگز از شرک مصون نمانده؛ اما ابراهیم خلیل علیه السلام هیچ‌گاه مشرک نبوده است. (ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۴۳۷) قرآن کریم اختلاف علمای اهل کتاب پس از دریافت علم را

نکوهش نموده است. اختلاف پیش از علم، بسیار پسندیده و راهی برای تکامل و سبب بارور شدن علم است. صاحب *تفسیر المیزان* با تمثیلی زیبا، اختلاف پیش از علم را به اختلاف دو کفه ترازو تشبیه نموده است که پس از تعادل و توازن، به ثبات رسیده و از اختلاف باز می‌مانند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۱۱۱) آنچه علمای اهل کتاب را در موضع ضعف قرار داده این است که پس از دریافت شواهد و نشانه‌های نبوت پیامبر ﷺ دچار اختلاف و تشتت شدند.

۲. اعتبار ادیان

قرآن کریم تفاوت ادیان را با اعتبار اعتقادی آنها سنجیده است. برخی از ادیان مردود اعلام شده‌اند؛ برخی نیز مقبول هستند، اما با گذشت زمان تبدیل یا تحریف شده‌اند و اکنون پذیرفتنی نیستند. در نهایت نظریه منتخب قرآن کریم در خصوص دین ثابت هم خواندنی است.

الف) دین حق

قرآن کریم «دین» را به حق و باطل تقسیم می‌کند، چنانچه منشأ وضع دین، شایسته ربوبیت باشد، قوانین او که دین را تشکیل می‌دهد، حق است. برپایه جهان‌بینی الهی، همه هستی - از جمله انسان - تکویناً در برابر آفریدگار خود خاضع و متواضع‌اند و قوانین خود را از او می‌گیرند: «وَكَلَّمَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (آل عمران / ۸۳) اما انسان افزون بر تکوین، از نظر تشریح نیز باید فرمان‌بردار حق باشد، چراکه آن دو باید با یکدیگر هماهنگ باشند و تنها مبدأ شایسته برای تکوین و تشریح و هماهنگ‌کننده آن دو، خدای سبحان است. بنابراین «دین حق» همان «دین خدا» است که به واسطه انبیا و رسلان ابلاغ می‌شود: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...» (توبه / ۳۳) جز حق هرچه فرض شود، باطل است: «فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ...» (یونس / ۳۲) به همین دلیل جز اسلام، دینی از کسی پذیرفته نمی‌شود: «وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران / ۸۵) خواه آن دین به طور کلی باطل باشد، مانند بت‌پرستی؛ یا باطل نسبی باشد، مانند: دین اهل کتاب که پس از ظهور حضرت خاتم ﷺ در حکم باطل مطلق است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۴۳۲)

ب) ادیان باطل

با بررسی دین حق، آنچه پس از آن می‌ماند در حکم دین باطل است. در این صورت هدایت فقط

در پیروی از دین حق است: «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا...» (بقره / ۱۳۷) قرآن کریم در خصوص پیروان سایر ادیان می‌فرماید: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا يَأْتِيهِمْ الْآخِرُ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه / ۲۹) در منطق قرآن کریم حق، نور و تجزیه‌ناشدنی است و در صورت تبعیض، ردّ سخن خداوند و ارتداد است. بر همین پایه ادیان الحادی که زاینده اندیشه بشری است، باطل‌اند:

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مِنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ. (انبیاء / ۲۴)

ج) دین ثابت

قرآن کریم از سویی می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹) از سوی دیگر آنچه را عنداللهی است، ثابت و پایدار می‌داند: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (نحل / ۹۶) بنابراین اسلام دین ثابتی است که نه تخلف‌پذیر است و نه اختلاف‌پذیر؛ انبیا همگی برپایه خطوط کلی آن حرکت می‌کرده‌اند؛ اما همان‌گونه که درجات آنان یکسان نیست: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (بقره / ۲۵۳) درجات ارائه‌شان نیز یکسان نخواهد بود، برخی دین کامل آورده‌اند و برخی دین کامل‌تر. (همان) از این رو دین اتم و کامل و خداپسند آن است که از ذات اقدس خداوندی بر پیامبر خاتم‌النبیین ﷺ نازل شد و با بیان امامت و ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) به حد نصاب خود رسید و بر جهانیان عرضه شد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». (مائده / ۳)

محورهای وحدت ادیان توحیدی

نظام تربیتی قرآن کریم در مواجهه و مقابله با تفرقه و تشتت میان پیروان ادیان توحیدی در سه قالب مشخص ارائه شده است، به شکلی که برای همه موحدان قابل فهم و درک باشد. بر همین پایه آموزه‌های کلام‌الله مجید از ورود به جزئیات اختلافی پرهیز نموده، به کلیات تقریبی و اتحادی پرداخته است. شیوه تربیتی قرآن کریم در پُر رنگ جلوه دادن محورهای اتحاد و همبستگی ادیان به تعامل بیشتر آنها کمک کرده است. در ادامه به بررسی این سه محور پرداخته می‌شود:

۱. تأکید بر وحدانیت پروردگار

چنان که پیش از این اشاره شد قرآن کریم، پیوسته بر وحدانیت پروردگار تأکید نموده است. دین حق

را یکی دانسته و از اختلاف نهی می‌کند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّهُ وَوَحْدَهُ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء / ۹۲) آیه کریمه به روشنی به وحدت دین برپایه وحدانیت ربانی اشاره نموده است. «این دین شما یکی است. اصل امت، جماعتی است که در مسیر واحدی باشد. از این رو شریعت و دین را «امت واحد» خوانده است؛ زیرا پیروان یک دین، یک هدف دارند. برخی گویند: یعنی این پیامبران از خود شما نیستند. شما باید به آنها اقتدا کنید که آنها اجتماع بر حق دارند. من خالق شما می‌باشم. مرا بیکتایی بپرستید» (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۶ / ۱۶۱) بنابر گزارش قرآن کریم، اهل کتاب دچار افتراق و تفرقه‌افکنی شدند: «وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَهِنَا رَاجِعُونَ» (انبیاء / ۹۳) آیه نشان‌دهنده حقیقت رفتار منافقانه اهل کتاب است. آنان با کفرورزی در دین ایجاد تفرقه کرده و آن را تجزیه و پاره پاره نمودند؛ در حالی که خداوند به وحدت توحیدی و امت واحد امر کرده بود. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۵۵؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۳ / ۲۷۹) از این رو خداوند پیروان حضرت موسی و عیسی علیهم‌السلام را به همین دلیل موجب مؤاخذه و توبیخ قرار داده است: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره / ۵۱) آنان با انواع شرک، دوگانه‌پرستی و تثلیث به وحدت ادیان آسمانی پشت کرده و تفرقه را زمینه‌سازی نمودند.

قرآن کریم در فرآیند تربیتی خود موضوع تفرقه‌افکنی و اتحادگریزی را با استدلالی کامل گزارش کرده و در نهایت، نتیجه را اعلام فرموده است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّيُّرُ بْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ بْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ * اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (توبه / ۳۰ و ۳۱) ده‌ها آیه کریمه از کلام‌الله مجید به انعکاس تفرقه‌یهودیان و مسیحیان اختصاص یافته است تا از انحراف تاریخی آنان پرده برداشته، زمینه‌های اتفاق نظر میان ادیان را فراهم نماید. خدای متعال با اشاره به عبارت «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ» زشتی کار کافران اهل کتاب را به آنان یادآوری نموده و خود را پاک و منزّه معرفی می‌کند. خداوند با این عبارت از کسانی که دچار انحراف در دین شده‌اند، اعلام برائت نموده است. (طوسی، بی تا: ۵ / ۲۰۷)

اهل کتاب به جای پیروی از وحدانیت پروردگار و اطاعت از اوامر و نواهی دین به تحریف کتاب‌های آسمانی پرداخته و دین را برابر هوی و هوس‌های خود تغییر دادند. آنان دچار توهم دین‌داری بودند؛ از همین جهت آموزه‌های کتاب‌های مقدس را قابل تحمل نمی‌دیدند: «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ

لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (بقره / ۷۸) مخالفت قرآن کریم با انحرافات اعتقادی اهل کتاب تا جایی گسترش یافته که آنها را کافر می‌نامد: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ...» (مائده / ۱۷) قرآن کریم منحرفان اهل کتاب را بیرون از چارچوب دینداری و تسلیم در برابر فرمان الهی می‌داند: «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنَ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران / ۲۰) در این آیه مسیر مشترکی میان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و اهل کتاب ترسیم شده است که در صورت تحقق به مقصد هدایت‌پذیری می‌رسد. پشتوانه استدلال در آیه مذکور، همان منطق آیه پیشین است که دین را به معنای تسلیم در برابر وحدانیت حق تعالی و فرمان‌برداری از او دانسته است. (رازی، ۱۴۲۰: ۷ / ۱۶۸) به عبارت دیگر اسلام به معنای عام اخلاص و پرهیز از شرک در برابر پروردگار است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۰) بدین ترتیب قرآن کریم با عمومیت بخشیدن به واژه اسلام و تلقی مفهوم عمومی وحدانیت به آن، نخستین محور همبستگی پیروان ادیان آسمانی را تعیین نموده است.

آیه ۱۹ سوره آل عمران اختلاف در پرستش پروردگار توسط اهل کتاب را از عدم‌آگاهی آنان نمی‌داند، بلکه اختلاف‌های ایجاد شده را به دلیل سرکشی، طغیان، ظلم و ستم آنها اعلام نموده است: «... وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ...» علامه طباطبایی در خصوص منشأ تفرقه آفرینی و اختلاف‌انگیزی اهل کتاب چنین می‌نویسد:

اما اختلافی که اهل کتاب از یهود و نصارا در دین کردند، با اینکه کتاب الهی بر آنان نازل شده، و خدای تعالی اسلام را برایشان بیان کرده بود، اختلاف ناشی از جهل نبود و چنان نبود که حقیقت امر برایشان مجهول بوده باشد و ندانسته باشند که دین خدا یکی است؛ بلکه این معنا را به خوبی می‌دانستند و تنها انگیزه آنان در این اختلاف، حس غرور و ستمگریشان بود و هیچ عذری ندارند ... (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۱۸۹)

الف) مواجهه قرآن با یهودیان در تحریف توحیدی
عملکرد یهودیان در تحریف دین و وحدانیت خداوند مردود است. بنی اسرائیل در حیات موسی صلی الله علیه و آله مسیر انحراف را پیش گرفته و آیین توحیدی موسی صلی الله علیه و آله را رها نمودند. قرآن کریم بارها به توصیف و تبیین انحراف‌های بنی اسرائیل پرداخته است. به عنوان نمونه می‌توان به آیات ۱۴۴ الی ۱۵۵ سوره اعراف مراجعه نمود. بنی اسرائیل با هدف تشکیک و تحریف دین از آن رویگردان شده و دچار اخلاف

گردیدند. آنان در وحدانیت پروردگار افساد و ابطال نموده، دچار کبر، غرور و خودبتر بینی شدند. خداوند نیز اعمالشان را نابود کرد: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف / ۱۴۷) و این به جهت افساد ایشان بود. (طوسی، بی تا: ۴ / ۵۴۳) یهودیان در دوره‌های بعد نیز به تحریف دین پرداخته و موجب بروز اختلاف میان بنی اسرائیل شدند. (آل عمران / ۷۸) آنان نبوت و رسالت موسی علیه السلام را نیز تکذیب نمودند. (انعام / ۹۱) افزون بر این یهودیان به صورت علنی وحدانیت پروردگار را انکار نمودند (توبه / ۳۰) قرآن کریم در آیات متعددی به رد عملکرد یهودیان پرداخته و آنان را تخطئه می‌نماید. (بقره / ۷۹) خداوند شدت مجازات اهل کتاب را بیان فرموده و به آنان وعده عذاب داده است؛ چراکه محتوای تورات و انجیل را تحریف نمودند و مقررات پرداخته خود را به خداوند نسبت دادند. آنان محتوای کتب مقدس را به بهای اندک فروختند. (فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۱ / ۱۴۸)

ب) رد ادعای تحریفی مسیحیان در قرآن

قرآن کریم با قطعیت ادعای دروغ و فسادانگیز مسیحیان را نیز مردود دانسته و آنان را تخطئه و تکفیر می‌نماید. (مائده / ۱۷) مسیحیان با ادعای جاهلانگی خود، مبانی توحیدی را به انحراف کشیده و تلیث را طرح نمودند. خدای متعال در آیات قرآن کریم به شدت با اندیشه‌های جاهلانگی آنان مقابله نموده است: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَتَّهُوا عَمَّا يُقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (مائده / ۷۳) بر همین پایه خداوند گفتار و عمل ناپسند نصرانیان را مردود اعلام نموده و بر وحدانیت تأکید فرموده است. قرآن کریم به آنان وعده داده است که اگر دست از کفر و شرک برندارند، عذابی دردناک در انتظارشان خواهد بود. (رازی، ۱۴۰۸: ۷ / ۹۸) از نگاه قرآن کریم بزرگان مسیحیت در انحراف افکار اعتقادی عموم مردم مؤثر بوده، اندیشه‌های الحادی آنان موجبات تحریف دین را فراهم نمود. (توبه / ۳۱) آنان الوهیت و وحدانیت خداوند را به سخره گرفته‌اند و اعتقادات مسیحیان را با افکار غلط در هم آمیخته‌اند. قرآن کریم به مسیحیان دستور می‌دهد که حد و اندازه خود را نگه داشته و در مبانی دینی رسوخ نکنند تا زمینه انحراف‌های فکری و اجتماعی فراهم نشود. (نساء / ۱۷۱)

ج) مقابله قرآن با سایر اندیشه‌های شرک‌آلود

شرک و دوگانه‌پرستی از پیروان دیگر ادیان نیز با مقابله قرآن کریم مواجه شده است. کسانی که در وحدانیت خداوند متعال تشکیک نموده و در پرستش دچار انحراف شده‌اند مورد مذمت و نکوهش

قرآن کریم قرار گرفته‌اند. (نحل / ۵۱) خداوند بر وحدت توحیدی تأکید فرموده و به مشرکان اجازه نمی‌دهد خدایان متعددی را پرستش نمایند. مفسران فریقین، وحدت در پرستش را مقدمه ایمان و از لوازم سعادت ذکر نموده‌اند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۲۲۹؛ کاشانی، بی تا: ۵ / ۱۹۶) از این رو خداوند برای هدایت و تربیت توحیدی همه اقوام و ملل رسولانی را مبعوث نموده است که در اصل کلمه توحید با یکدیگر اشتراک دارند. (انبیاء / ۲۵) بنابراین در قرآن کریم تسلیم در برابر وحدانیت پروردگار به عنوان برترین روش پرستش و کامل‌ترین سیره اعتقادی ذکر شده است. (آل عمران / ۸۵؛ نساء / ۱۲۵)

۲. تأکید بر وحدت رسالت رسولان

دومین محوری که قرآن کریم برای وحدت و همبستگی همه موحدان عالم بیان کرده است، یکی بودن اساس و هدف رسالت انبیاء و رسولان الهی است. ایمان به انبیاء و رسالت رسولان الهی از ضروریاتی است که خدای متعال به آن تذکر داده است: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَكَتَبْتُمْ لَهُ قَوْلًا لِقَائِهِ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَبْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران / ۸۱) دستور قرآن کریم در مجادله احسن با اهل کتاب و تبیین نقاط اشتراک و حیانی، بر همین پایه استوار است. شیوه تربیت اجتماعی قرآن این است که پیامبر خاتم و پیروان آن حضرت ﷺ با تأیید رسولان پیشین و آموزه‌های وحیانی مقدس، وحدت و همبستگی اجتماعی را با اهل کتاب به وجود آورند:

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. (عنکبوت / ۴۶)

در این آیه کریمه و برخی دیگر از آیات با تأکید بر شیوه «جدال احسن» از اراده خداوند برای همسو نمودن اهل کتاب با دین پیامبر خاتم ﷺ پرده برمی‌دارد. آیه نشان می‌دهد که هدف تربیتی قرآن کریم از بین بردن اختلافها و افزایش اشتراکها میان دین خاتم و سایر ادیان است. اشاره مجدد به این نکته ضروری است که ادیان توحیدی بدون اختلاف نازل شده‌اند. اختلافهای ایجادشده به جهت تغییرها و تحریفهای ظالمانه و خودخواهانه اهل کتاب است. (طوسی، بی تا: ۲ / ۴۱۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۴۱) اکنون با این توضیح مشخص است که اراده پروردگار بر احیاء محتوا و هدف مشترک انبیاء و رسولان تعلق گرفته است. بنابراین قرآن به روش تربیتی جدال احسن دستور داده است.

مقصود از جدال احسن در تفسیر *المیزان* به خوبی تشریح شده است:

مجادله وقتی نیکو به‌شمار می‌رود، که با درشتخویی و طعنه و اهانت همراه نباشد، پس یکی از خوبی‌های مجادله این است که: با نرمی و سازش همراه باشد و خصم را متاذی نکند که در این صورت مجادله دارای حسن و نیکی است، یکی دیگر اینکه شخص مجادله‌کننده از نظر فکر با طرفش نزدیک باشد، به این معنا که هر دو علاقه مند به روشن شدن حق باشند. در نتیجه هر دو با کمک یکدیگر حق را روشن سازند. لجاجت و عناد به خرج ندهند؛ پس وقتی این شرط با شرط اول جمع شد حسن و نیکویی مجادله دو برابر می‌شود؛ آن وقت است که می‌توان گفت این مجادله بهترین مجادله‌ها است و به همین جهت وقتی مؤمنان را نهی می‌کند از مجادله با اهل کتاب، مگر آن مجادله که احسن و بهترین طرق مجادله باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۲۰۵)

وحدت ادیان توحیدی در قالب ایجاد وحدت رسالت رسولان و نبوت انبیاء نقش قابل توجهی در شکل‌گیری منطق تربیتی قرآن کریم دارد؛ به گونه‌ای که در آیات متعددی قابل رؤیت می‌باشد. خداوند با برشمردن اسامی برخی از پیامبران پیشین و نقل اهداف رسالت ایشان، به هم‌گرایی جامعه دینی دستور داده است. در این منطق استوار قرآن کریم، مأموریت تمامی انبیاء و رسولان به شکلی واحد و یکسان معرفی شده است: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا * وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقُصِّصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا * رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِيُثَبِّتُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء / ۱۶۵ - ۱۶۳) خدای متعال با گسترش اشتراک‌های میان ادیان آسمانی به پیروان انبیاء یادآوری می‌کند که وحی میان تمامی رسولان مشترک است و آنان دارای هدف واحدی در رسالت خود هستند. قرار دادن نام انبیاء در کنار یکدیگر و معرفی ارتباط وحیانی در ادعای نبوت و رسالت از همبستگی ادیان حکایت دارد. (ر. ک: طیب، ۱۳۶۹: ۴ / ۲۷۱)

اکنون بار دیگر به بررسی آیه ۱۹ آل عمران باز گردیم. خداوند ریشه و منشأ تمامی ادیان نزد خود را اسلام می‌نامد تا مخاطبان تصور نکنند که میان آنها تفاوت یا اختلافی هست. قرآن کریم با تبیین موضوع وحدت ادیان و ایجاد همبستگی در روابط وحیانی رسولان، جامعه را به هدفی متعالی راهبری می‌کند. با تبیین قرآنی به خوبی روشن است که با وجود اشتراک‌ها میان انبیاء، بروز اختلاف‌های دینی، فرقه‌ای و اجتماعی میان پیروان آنان پذیرفتنی نیست. گفتمان وحدت‌آفرین قرآن در تقریب

ادیان، مسیر هرگونه تفرقه و تنش را مسدود کرده است. شیوه تربیتی قرآن کریم در این خصوص نشان می‌دهد که حجت بر همه اهل کتاب تمام شده است؛ چراکه میان منشأ، روش و هدف رسولان اختلافی نیست. حال اگر در میان پیروان ادیان اختلافی رخ دهد به دلیل لجاجت، خودخواهی و ستمگری است. پیش‌تر اشاره شد که این مفهوم در ادامه آیه نوزدهم تشریح شده است.

۳. تأکید بر وحدت نظام عدل الهی و قیامت

سومین محور وحدت ادیان آسمانی در موضوع عدالت الهی است که عموماً با مباحث مربوط به قیامت در هم آمیخته است. از دیدگاه قرآن کریم این موضوع از اصول اعتقادی دین است و پیروان راستین اسلام به آن باور دارند. از این رو عدل الهی به‌عنوان اصلی اساسی مطرح شده است: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران / ۱۸) رعایت حقوق موجودات عدل است و تجاوز به آن ظلم نام دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ۲ / ۱۹۲) اگر فرض کنیم خداوند سبحان مرتکب ظلم می‌گردد، با سه احتمال روبه‌رو خواهیم بود: ۱. یا این عمل ناشی از جهل است که این با علم مطلق الهی ناسازگار است؛ ۲. یا این عمل از نیاز و فقر سرچشمه می‌گیرد و در بحث غنی بودن خداوند ثابت شده که خداوند غنی مطلق است و ۳. یا اینکه ظلم مقتضای ظلم است. با اینکه در بحث حسن و قبح عقلی ثابت شد که خداوند فعل زشت و قبیح انجام نمی‌دهد و تمام افعال خداوند عادلانه است. (سعیدی‌مهر، ۱۳۷۷: ۲۲۹)

استاد مطهری این تعریف از عدالت را متکی بر دو چیز دانسته که یکی حقوق و اولویتهایی می‌باشد که نیمی از افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا کرده و دیگر اینکه خصوصیت ذاتی بشر به گونه‌ای است که با استفاده از اندیشه‌های اعتباری، در دستیابی به مقاصد و سعادت خود از آنها به‌عنوان آلت فعل بهره می‌برد. لذا باید برای رسیدن افراد جامعه به سعادت، یک سری حقوق و اولویت رعایت شود. (مطهری، ۱۳۷۷: ۷۲۰)

در کتاب‌های مقدس نیز به همین اصل اشاره‌های فراوانی شده است. عدالت پروردگار در آیین یهودیت و مسیحیت از مهم‌ترین موضوعات می‌باشد. هر فقر و فلاکت اجتناب‌پذیری، به منزله نتیجه حق‌کشی که به زندگی انسان آسیب رساند یا نابود کند، مغایر با خواست آفریدگار خیر است که «حبیب حیات» و «خداوندگار عدالت» است (برای نمونه ر. ک: مزامیر داوود: ۵ / ۳۳، ۷ / ۱۱) موضوع عدل الهی در سفر تشبیه این‌گونه آمده است:

پروردگار، کارش بی‌عیب و کامل است؛ زیرا که تمام راه و روش‌هایش از روی داوری

بررسی آراء مفسران در تبیین شیوه تربیتی قرآن کریم در وحدت ادیان توحیدی ... □ ۲۳۹

و انصاف است، قادر امین، بدون بی‌عدالتی و ظلم، او عادل و درستکار است.
(سفر تثنیه: ۴ / ۳۲)

عدالت پروردگار در دیگر بخش‌های کتاب مقدس نیز مشاهده می‌شود:

متبارک است خداوند که به درگاه او نه بی‌عدالتی راه دارد و نه فراموشی، نه از کسی ملاحظه می‌کند و نه رشوه می‌گیرد. (تلمود، رساله پدران: ۴ / ۲۹)

قرآن کریم با همین محوریت، ادیان توحیدی را در کنار یکدیگر قرار داده و از پراکندگی آنان پیشگیری نموده است. دو موضوع عدل الهی و رستاخیز که مورد توافق پیروان همه ادیان آسمانی است، مسیر وحدت ادیان را هموار نموده است:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَكَأَ خَوْفٍ عَلَيْهِمْ وَكَأَ هُمْ يَحْزَنُونَ. (بقره / ۶۲)

آنچه که در آیه مورد تأکید قرار گرفته است دو اصل توحید و معاد در کنار یکدیگر می‌باشد. قرآن کریم با تأکید بر مبانی اعتقادی که در تمامی ادیان مورد پذیرش و وفاق قرار گرفته است، آنان را به هم‌گرایی و وحدت با دین پیامبر خاتم^ﷺ فرا می‌خواند.

نتیجه

تفرقه از موضوع‌های مورد نفرت قرآن کریم است که به شدت با آن به مقابله و مخاصمه پرداخته است. در نقطه مقابل، قرآن کریم به اتحاد و همبستگی بها داده و برای آن ارزش قائل شده است. اتحاد مورد توجه قرآن کریم از یک‌سو به پیروان پیامبر اکرم^ﷺ سفارش شده و از سوی دیگر از پیروان سایر ادیان آسمانی برای تحقق این هدف تربیتی و اجتماعی دعوت به عمل آمده است. عبارت پر معنای «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَكَمَا تَفَرَّقُوا...» به مسلمانان دستور صریح داده است که به ریسمان توحید چنگ زده و از تفرقه پرهیز کنند. اهمیت موضوع وحدت دینی از جنبه‌های مختلف به مسلمانان یادآوری شده است. قرآن کریم با همبستگی دینی به تشکیل جامعه ایمانی اقدام نموده به گونه‌ای که دچار سستی و ضعف نشوند. «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَكَمَا تَتَّزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» همین رویکرد تربیتی - اجتماعی در خصوص ارتباط میان ادیان نیز موضوعیت یافته است. با نزول قرآن موضوع تعامل با اهل کتاب از اساسی‌ترین مباحث قرآن کریم قرار گرفته و به ابعاد مختلف موضوع پرداخته شده است. قرآن کریم با ابداع معنایی متحد از دین،

تسلیم در برابر وحدانیت خداوند را به عنوان اسلام معرفی نموده است تا پیروان موحد همه انبیاء پیشین در زمره اسلام قرار گیرند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» به این وسیله پایه اصلی اتحاد و همبستگی ادیان آسمانی پی‌ریزی گردید.

مفسران بر پایه آیات کلام‌الله مجید، دین را در سه نوع دسته‌بندی نموده‌اند که عبارتند از: دین حق، دین باطل و دین ثابت. اکنون با نزول قرآن کریم، اسلام به عنوان دین ثابت با پهنه‌ای گسترده، همگان را به تکمیل اعتقادات فرا خوانده و نبی مکرم ﷺ را برای ابلاغ این مهم مأمور نموده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَكَمَا تَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَكَأَيُّ يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...»

خدای متعال با دستور به وحدت و همبستگی، پیامبر را مبعوث نموده و هیچ‌گونه اختلافی را تحمل نکرده است. خداوند بروز اختلاف‌های اعتقادی در میان پیروان ادیان را ناشی از خودخواهی و ستمگری دانسته است «... وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ...». قرآن کریم در جذب همگانی به تبیین مشترکات ادیان آسمانی پرداخته است تا مخاطبان با سهولت بیشتر به همبستگی دست یابند.

وجود سه محور اساسی در تبیین قرآنی موضوع به چشم می‌خورد. نخست تأکید قرآن کریم بر ریشه توحیدی همه ادیان آسمانی است. دومین محور بر وحدت منشأ و شیوه انبیا و رسولان اختصاص یافته است. محور سوم به عدالت الهی و برقراری نظام پاداش و جزای اخروی اختصاص دارد. این نیز مورد توافق و تعامل دانشمندان مسلمان است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۹۲، تهران، یاسین نور.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- باقری، مهری، ۱۳۷۶، دین‌های ایرانی پیش از اسلام، تبریز، دانشگاه تبریز.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، مؤسسه بعثت.
- بلاغی، محمد جواد، بی تا، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی.
- بنی حسین، محمد صادق، ۱۳۷۲، ادیان و مذاهب جهان، قم، بی جا.

- بیضاوی، ناصرالدین، ۱۴۱۸ ق، *انوارالتنزیل و اسرارالتأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- توفیقی، حسین، ۱۳۸۴، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران و قم، سمت، مرکز جهانی علوم اسلامی، چ ۷.
- تیواری، کدارات، ۱۳۸۱، *دین‌شناسی تطبیقی*، ترجمه مرضیه (لوئیز) شنکایی، تهران، سمت.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء.
- حداد، یوسف دره، ۱۹۸۲ م، *الانجیل فی القرآن*، بیروت، منشورات المكتبة البولسیه، چ ۲.
- خلیل جر، ۱۳۹۱، *فرهنگ لاروس*، ترجمه حمید طیبیان، تهران، امیرکبیر.
- دره، محمدطه، ۱۴۳۰ ق، *تفسیر القرآن الکریم و إعرابه و بیانه*، بیروت، دار ابن کثیر.
- دروزه، محمد عزه، ۱۴۰۰ ق، *القرآن و الملحدون*، دمشق، دار قتیبه، چ ۲.
- دروزه، محمد عزه، ۱۹۷۲ م، *القرآن و المبشرون*، دمشق، دار الاسلامی.
- رازی، ابوالفتح، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین محمد، ۱۴۰۴ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ و طبعه خدمات چاپی، چ ۲.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- سعیدی مهر، محمد، ۱۳۷۷، *آموزش کلام اسلامی: خداشناسی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- سیوطی، جلال‌الدین و جلال‌الدین محلی، ۱۴۲۷ ق، *تفسیر جلالین*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تأویل آی القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
- *عهد قدیم و عهد جدید*، ۱۳۸۳، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، المكتبه الصدر.

- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، بیروت، دار الکتب الإسلامیه.
- کاشانی، فتح الله، بی تا، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامی.
- مراغی، احمد مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، دار الفکر، بیروت.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۰، *آموزش عقاید*، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *عدل الهی، مجموعه آثار*، ج ۱، تهران، صدرا.
- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مقاتل بن سلیمان، ۲۰۱۱ م، *الوجوه و النظائر فی القرآن*، بغداد، مکتبه الرشد.
- مهر، فرهنگ، ۱۳۷۴، *دیدنی نواز دینی کهن (فلسفه زرتشت)*، تهران، نشر جامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی